

## بررسی فضاهای خلاق آستانه ای در فلسفه تعلیم و تربیت

(فراتر از دیالکتیک حاشیه و مرکز در فلسفه آموزش غرب)

### سید محسن فاطمی

فلسفه آموزش در غرب اغلب منطوقی دیالکتیک مرکز و حاشیه بوده و تمرکز ویژه ای بر روی پراگماتیسم قدرت و آثار و استلزام های آن در ابعاد آموزشی داشته است. به علت نفوذ دیدگاه کانتی و تأثیر طولانی مدت فلسفه ارسطویی، فلسفه آموزش در غرب در شکل غالب خود علیت متقابل را مورد تأکید قرار داده است و گفتمان های تفسیری آن قدرت را در مواجهه و رویارویی متقابل ها مطرح ساخته است. این سخنرانی تتبع پیرامون فضاهای آستانه ای که دیالکتیک قدرت و حاشیه در آن صادق نمی باشد را مورد بررسی قرار می دهد.

این گفتار بر این نکته تأکید می کند که فضاهای آستانه ای می توانند منظر نوینی را برای فلسفه آموزش ارائه دهند و غایت این فضاها رسیدن به ذهنیت مملو از ثبات، آرامش و صلح است. این مقاله استلزام های ذهنیت آرامش محور را برای فلسفه آموزش مورد بحث قرار می دهد و زمینه های بالقوه و متحول کننده آن را در جهان آموزش به تعلیم و تربیت مورد توجه قرار می دهد. نگاه به رخسارهای نا آشنا در کنار طرح واژه های مأنوس در پرتو این فضا مطرح می شود و فراتر رفتن از تحلیل های پارادایمی خود را نشان می دهد. از منظر هستی شناختی، فلسفه آموزش غربی در ارائه هل بسیط خود در نقاط ارجاعی محدود کننده و محبوس است و در گزاره های تجویزی خود در ارتباط مرکز و حاشیه قرار می گیرد. در وجه تجویزی خود، این فلسفه درون مایه های هستی شناختی خود را با تجدید گزاره های وجودی همراه می بیند.

در عین حال، آموزش قدرت محور در فلسفه آموزش غربی خود تن گرا را محور تمرکز قرار می دهد و به این جهت تکثر در عمل را ترویج و وحدت و حضور را می زداید. امتزاج هستی و دانایی در حاشیه قرار می گیرد و غیبت بر حضور رجحان پیدا می کند.

بررسی فضاهای آستانه ای در درون فلسفه آموزشی فراهم آورنده زمینه های بالقوه برای اجرای رهیافتی نوین و بدیع در حوزه درک و فهم، یادگیری و دانایی می باشد. گفتار حاضر به معرفی فضاهای خلاق که مورد نسیان فلسفه آموزش قدرت زده است می پردازد و نشان می دهد چگونه تشخیص این فضاها و زمینه ها به درک ژرفی از دانستن و مولفه های چهارچوب آن منجر می شود.